



پيام حيدر قزويني

«ديوان غربی- شرقی» حاصل سال‌های پیری گوته است و نوشتن آن چیزی حدود ده سال، بین سال‌های ۱۸۱۴ تا ۱۸۲۴ به طول انجامیده است. این دیوان به‌همراه رمان «سال‌های سیر و سلوک ویلهلم مایستر» و نمایشنامه «فاوست» جزو آخرین آثار گوته به‌شمار می‌رود. «دیوان غربی- شرقی» شامل دو بخش عمده و یک بخش کوچک است. بخش اول آن تقریباً دوپست‌وپنجاه قطعه شعر را دربر گرفته و در اصل بزرگ‌ترین دفتر تغزلی گوته را تشکیل می‌دهد. بخش دوم دیوان نیز حدود شصت مقاله درباره فرهنگ و تاریخ و ادبیات ایران به قلم خود گوته را دربر گرفته است. بخش پایانی و کوتاه «دیوان غربی- شرقی» شامل شعرهایی است که گوته بعد از انتشار دیوان اما در همان حال‌وهوا سروده و پس از مرگ او جمع‌آوری و در انتهای دیوان به چاپ رسیده است. گوته در شرایطی به نوشتن اشعار دیوان می‌پردازد که هنوز با مضمون «فاوست» درگیر است. او اگرچه کار بر روی مضمون «فاوست» را در سال ۱۷۷۰ یعنی در بیست‌ویک‌سالگی‌اش آغاز می‌کند اما تا سالی پیش از مرگش آن را اثری ناتمام می‌داند. به این اعتبار روایت گوته در این نمایشنامه در یکی از بحرانی‌ترین و پرتلاطم‌ترین دوره‌های تاریخ شکل می‌گیرد و در آن تصویری از جامعه غربی و حرکتش به سمت جهان جدید ارایه می‌دهد. یکی از وجوه اهمیت «فاوست» در این است که این اثر مرحله‌به‌مرحله در طول شصت سال نوشته شده است. گوته که عمری طولانی داشته، شهادی بر دو قرن پرتحول بوده است. او در میانه قرن هجدهم به دنیا آمده و فرزند عصر روشنگری است و از دیگرسو شکل‌گیری جهان سرمایه‌داری و عصر صنعتی‌شدن را در قرن نوزدهم نیز دیده است. دو دهه پایانی عمر گوته مقارن با رواج شرق‌گرایی است و تأثیر رواج شرق‌گرایی در آخرین آثار گوته دیده می‌شود. البته آشنایی گوته با جهان شرق به دهه‌ها پیش از این و به دوران کودکی او بازمی‌گردد. او در ایام کودکی‌اش به‌واسطه قصه‌های تورات و افسانه‌های «هزارویک‌شب» و سفرنامه‌های مختلف با شرق آشنایی داشته است. اما شرق‌شناسی به‌عنوان دانشی زاینده عصر رنسانس، در سال‌های پیری گوته گسترای وسیع پیدا می‌کند و در این میان گوته که از جنگ‌ها و فلات‌های ناشی از جنگ در جهان غرب دل‌زده شده میل هجرت پیدا می‌کند. آخرین رمان گوته، اثری پرچم به نام «سال‌های سیر و سلوک ویلهلم مایستر» است و می‌توان آن را اثری تربیتی دانست که موضوعاتی مشخص از آغاز قرن نوزدهم یعنی زمانه عصر رنسانس، و سرمایه و آن تصویر شده است. رواج شرق‌گرایی در این رمان گوته و نیز در «دیوان غربی- شرقی» او نمایان است. جهان‌وطنی گوته و علاقه او به گفت‌وگو با جهان شرق باعث شد که او به ملی‌گرایی افراطی نغلتد و حتی لشکرکشی‌های ناپلئون به نقاط مختلف اروپا باعث شد تا او دل‌زده از این وضعیت میل بیشتری به هجرت پیدا کند. آشنایی گوته با دیوان حافظ اگرچه به‌واسطه ترجمه پیرایرد زوزف هامر بود اما سبب شد تا او با درک اندیشه حافظ پیوندی میان خود و حافظ برقرار کند. «دیوان غربی- شرقی» را می‌توان حاصل این پیوند دانست. این دیوان سال‌ها پیش با ترجمه محمود حدادی به فارسی منتشر شده بود. حدادی در بخشی از مقدمه‌اش درباره این اثر گوته نوشته: «دیوان گوته مفصل‌ترین دفتر شعر عمر او و هم‌زمان ثمره تلاش این شاعر آلمانی در راه پایه‌گذاری ادبیات نوجوانی در طبعیحه جهانی‌شدن رابطه ملت‌هاست. و برابر نهاد او در پیش پدیده جهان‌گیر استعمار.» دفترهای دوازده‌گانه این دیوان هر یک

در حاشیه کتاب «دیدار غرب و شرق در هجرت گوته»

با آتش خویشتن



بنای پیدمان گوته و حافظ در میدان پنهون شهر فرانک

در کنار نام آلمانی‌شان عنوانی فارسی یا عربی هم دارند و به قول حدادی شاید هم در تنوع، الگوی‌شان «نظام سال با ماه‌ها و فصل‌هایش باشد، چراکه مثل فصل‌ها، هربراه یک خویشاوندی و همجواری سه‌گانه در آن‌ها به چشم می‌خورد. مغنی‌نامه، حافظ‌نامه و عشق‌نامه، یعنی هر سه دفتر اول، بیش از همه از شیوه حافظ تأثیر گرفته‌اند، در پی آن‌ها سه دفتر نظاره‌گری و پاریک‌اندیشی، یعنی تفکرنامه، رنج‌نامه و حکمت‌نامه می‌آیند و سپس دفترهای تیمورنامه، زیلخ‌نامه و ساقی‌نامه که پیوستگی‌شان در عمل‌گرایی و پویندگی است، و سرانجام مجموعه سه‌گانه آخر، یعنی مثل‌نامه، فارسی‌نامه و خلدنامه با موضوع مشترک دین و ملوکوت، به‌جز «دیوان غربی- شرقی»، حدادی اثری هم درباره این دیوان به چاپ رسانده است. «دیدار غرب و شرق در هجرت گوته» عنوان



دیدار غرب وشرق در هجرت گوته

به قلم محمود حدادی است و او در یادداشت ابتدایی کتاب درباره تأثیر حافظ بر گوته نوشته‌است: «حضور توامان اندیشه و عشق در غزل‌های حافظ (اندیشه‌ای که درنگش خنکای دریا را دارد و عشقی که شورش گرمای آتش‌فشان را) شاید دلیل این ستایش سرشار گوته از پیش‌کسوت ایرانی‌اش باشد. باین‌حال در این قطعه هم باز گوته در پایان به ذات عینی و کائناتی هنر و شعر استناد می‌کند. به این‌که از قضا او هم در ساحتی خورشیدی زیسته و عشق ورزیده است. پس

آلمان دهه چهل

گرفت. اما شاید موفقیت اصلی او در دهه نمود اتفاق افتاد چرا که در این دهه دو اثر او با نام‌های «شکارچی انسان» و «کشف سوسیس کاری» با اقبال زیادی روبه‌رو شدند. اثر بعدی او یعنی «قرمز» نیز با موفقیت همراه بود و بعد از آن با نوشتن کتاب «مثلا پدرام» که درواقع اتوبیوگرافی اوست نویسندگی را ادامه داد. اووه تیم به واسطه این آثارش جوایز ادبی زیادی به دست آورده و داستان‌هایش تاکنون به زبان‌های زیادی ترجمه شده‌اند.

رمان «کشف سوسیس کاری» را شاهکار اووه تیم دانسته‌اند؛ اثری که تاکنون به بیست زبان ترجمه شده است. در این رمان، ما با روایتی از فضای جامعه آلمان در خلال سال‌های ۱۹۴۸–۱۹۴۵ روبه‌رو هستیم. روایتی با ریزینی و نکته‌سنجی خاص که جزئیات در آن به طرز دقیقی تصویر شده‌اند. هر یک از شخصیت‌های این رمان را می‌توان نماینده قشر یا لایه‌ای از مردم و تفکر حاکم بر جامعه آلمان در دهه چهل میلادی دانست. زندگی یک زن تنها که دو فرزندش از او دور هستند، یک سرباز فراری، جنگ، گشتار یهودیان بی‌گناه، جیره‌بندی مواد غذایی، ویرانی‌های



کشف سوسیس کاری

اووه تیم

ترجمه حسین تهرانی

نشر چشمه

ادبیات

نگاهی به رمان «نه چندان زیبا با هوشی متوسط»

عشق و تنباهی

امبرحسین نجم‌آبادی: هنوز هم که هنوز است عشق پای ثابت بسیاری از رمان‌ها و فیلم‌هاست، هرچند دیگر تصویر کلاسیک عشق آن‌طور که برخی شاهکارهای ادبی و سینمایی برای ما ساخته‌اند یا آن‌طور که فرهنگ غالب به ما قیولانده است، در میان کسانی که به‌صورت جدی مصنوعات هنری را دنبال می‌کنند خریداری ندارد. بسته به زمانه و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، اتفاقات عاشقانه سمت‌وسوی متفاوتی از عاشقانه‌های آرام یا حتی ناآرام کلاسیک پیدا کرده‌اند. با وجود این در بسیاری موارد هنوز نویسندگان ما روایت‌گر همان عاشقانه‌هایی هستند که عملاً اتفاق نمی‌افتند. گفته می‌شود آثار موفق ادبی آثاری هستند که نویسندگانشان نظرات خاص خود درباره هر پدیده، اتفاق و حتی شیء، را دارند. توصیف زیبایی یک درخت و جای‌دادن مناسب آن در یک روایت، مولود نگاه متفاوت یک نویسنده است. وقتی درمورد یک درخت چنین وسواسی وجود دارد، استفاده از کلان‌روایت‌ها که دیگر جای خود را دارد و محک خوبی برای این است که بفهمیم نویسنده تا کجا به آن اصل مهم یعنی داشتن نگاه متفاوت به پدیده‌ها، اتفاقات، اشیا و … توجه کرده است. رمان «نه چندان زیبا، با هوشی متوسط» از حیث نگاه

متفاوت به دستاوردهای خوبی رسیده است. برعکس برخی نویسندگان که از کلان‌روایت‌ها برای پرک نوشته خود استفاده می‌کنند و به این اعتبار مجبور به تن‌دادن به گونه‌های کلاسیک روایت برای خوشامد برخی خوانندگان خود هستند، محمджواد صابری در رمان خود خطر کرده و یک عاشقانه ناآرام با ویژگی‌های عاشقانه‌های این روزها ساخته است. به‌طور قطع مجوری از داستان که به روایت عشق بنفشه و بردیا تعلق دارد، محور اصلی نیست، چراکه نمی‌توان هیچ‌کدام از محورها



نه چندان زیبا، با هوشی متوسط

محمджواد صابری

نشر چشمه

را در مقابل دیگری اصلی یا فرعی دانست. عاشقانه نامتعارفی که در این رمان روایت می‌شود، درعین‌حال که گاهی این برداشت را به وجود می‌آورد که مولود اتفاقات دیگر است، در نهایت خود را یزیده اتفاقاتی می‌شود که داستان بر پایه آن استوار شده‌است. این روایت گاه گزنده و به قول معروف اعصاب‌خردکن است، اما زمانی که قرار است روایت عاشقانه تنها پرک یک نوشته نباشد، گزندگی روایت در کلیت از جایگاه خود را پیدا در نهایت به جست‌وجوی خواننده برای رسیدن به هسته مرکزی اثر کمک می‌کند. روایت‌های شخصی در بسیاری موارد در خود رگه‌هایی از عمومیت دارند. عاشقانه‌های کلاسیک، داستان‌های خاصی هستند که با چند کلیشه با روایت‌های خاص دیگر مرتبط می‌شوند. مهم است که کلیشه‌ها کشف و برجسته شوند. عاشقانه‌ای که در «نه چندان زیبا، با هوشی متوسط» تعریف می‌شود، داستانی است که شاید کمتر کسی عاشقانه خود را در آن بیابد، اما این داستان حسن مزه‌ادپنداری را در خواننده برمی‌انگیزد. فوبیسا و همراهی برای فائق‌آمدن بر آن شاید یکی از مهم‌ترین کلیشه‌ها برای عاشقانه‌های روزگار ما باشند. چنین انتظاری خود می‌تواند تباه‌کننده یک رابطه یا حتی زندگی باشد و حرکت بر مرز عشق و تنباهی به این صورت مؤلفه مهم دیگری برای عاشقانه‌های روزگار ماست. در «نه چندان زیبا، با هوشی متوسط» آدم‌ها وقت تن‌دادن به همراهی برای فائق‌آمدن بر فوبیسای دیگری تباه می‌شوند و وقتی از این کار دست می‌کشند، عشق‌شان تباه می‌شود.

مرور

قرآن به‌منزله اثری ادبی

مانی سپهری: «مطالعه قرآن به منزله اثری ادبی» گزیده مقالاتی است از مستنصر میر و حسین عبدالرئوف که به ترجمه ابوالفضل حرّی در نشر نیلوفر تجدیدچاپ شده است. در این کتاب، قرآن با رویکردهای زبانی – سبک‌شناختی مورد مطالعه قرار گرفته است. مترجم در بخشی از مقدمه خود بر ترجمه فارسی این کتاب تأکید می‌کند که مطالعه قرآن از این منظر به معنای نادیده‌گرفتن اصول دینی، اخلاقی، فقهی، مدنی و دیگر اصول معنوی قرآن نیست و در مقالات این کتاب به قرآن به‌منزله اثری نگرسته شده که در آن «جنبه‌ی دین‌شناختی کلام خداوند و جنبه‌ی ادبی آن بر هم نقش شده است و این امر از آن‌روست که قرآن برای بیان آموزه‌های دین‌شناختی و هدایتی خود از ویژگی‌های ادبی و زبانی و به‌ویژه علوم قرآنی از قبیل علوم معانی و بدیع بهره‌ی وافّی و کافی برده است.»

مترجم در این مقدمه در توضیح منظور نویسندگان کتاب از مطالعه قرآن به‌منزله اثری ادبی می‌نویسد: «درواقع، هنگامی که از قرآن به منزله‌ی اثری ادبی سخن به میان می‌آوریم؛ منظور کلیتی منسجم و یکپارچه است که تمام آیات و سوره‌های آن در ارتباط انداموار با یکدیگر و با سایر آیات و سوره‌های پس و پیش خود قرار دارند و ازاین‌رو، ضروری است که در بررسی آیات و سوره‌ها علاوه بر بافت برون‌زبانی و سیاق بیرونی آیات که از آن به شان نزول یاد می‌کنند؛ به بافت درون‌زبانی و مناسبات بنیائیه‌ای و بنباسوره‌ای نیز توجه شود. این رویکرد کلیت‌نگر به قرآن که در بلاغت قرآنی از آن به نظم و انسجام و تناسب آیات با یکدیگر یاد می‌کنند؛ قرآن را اثری منسجم در نظر می‌گیرد که نظم و نسقی استوار بر اجزای آن حاکم است…» مترجم در بخشی دیگر از این مقدمه به «قرآن‌پژوهی در گذشته و حال» پرداخته است. او در این بخش به قرآن‌پژوهی در زبان عربی کلاسیک، زبان عربی معاصر و زبان فارسی پرداخته است. کتاب «مطالعـه قرآن به منزله اثری ادبی» شامل ده مقاله است با عنوان‌های: قرآن به منزله‌ی اثری ادبی، ویژگی‌ها و مولفه‌های زبانی قرآن کریم، سوره به منزله کلیت، طنز و شوخـ طبعی در قرآن، گفت‌وگو در قرآن، کنایه در قرآن، فنون و صنایع ادبی در قرآن، سازگان زبان‌شناختی قرآن، زنجیربندی مفهومی و بافتی در گفتمان قرآنی، در باب تنوع سبک‌شناختی در زانر قرآنی. از بین این مقالات، مقاله‌های سازگان زبان‌شناختی قرآن، زنجیربندی مفهومی و بافتی در گفتمان قرآنی و در باب تنوع سبک‌شناختی در زانر قرآنی نوشته حسین عبدالرئوف و باقی مقالات نوشته مستنصر میر هستند. در مقدمه مترجم در معرفی هر یک از این مقالات آمده است: «میر در مقاله‌ی اول به برخی جنبه‌های ادبی قرآن از قبیل واژه‌گزینی، تصویر و تصویرپردازی؛ ابهام و کنایه؛ شخصیت و شخصیت‌پردازی و نقش مکالمه نگاهی می‌اندازد. در مقاله‌ی دوم، قرآن را به‌منزله‌ی کتابی مبین بررسی کرده و به ویژگی‌های بلاغی قرآن از جمله تشبیه، تمثیل و استعاره و سایر وجوه ادبی قرآن اشاره می‌کند. میر در مقاله سوم سوره را به‌منزله‌ی کلیتی منسجم در نظر می‌گیرد. این نوشته چهار بخش دارد:

بخش اول پیش‌زمینه‌ی تاریخی کوتاه‌ی از موضوع ارائه می‌دهد.

بخش دوم از وجوه متمایز آثار شش مفسر جدید قرآن گزارشی تشریحی ارائه می‌دهد.

بخش سوم نیز گزارش تشریحی دوم را تجزیه و تحلیل می‌کند.

بخش پایانی نیز به توضیحاتی کلی اختصاص دارد. مقاله چهارم، مولفه‌ی شوخ‌طبعی را در قرآن پی می‌گیرد و برخی پاره‌های قرآن از جمله داستان موسی و جوان همراه او را از مصداق طنز در قرآن معرفی می‌کند.

مقاله پنجم، نقش دیالوگ را در قرآن بررسی می‌کند. میر ابتدا از مسایل نظری مکالمه ذکر به میان می‌آورد. سپس، گونه‌شناسی مکالمه‌های قرآنی را در بخش سوم بررسی و ساختار کلی مکالمه را در قرآن تبیین می‌کند. و در بخش چهارم نمونه‌هایی چند از مکالمه‌های قرآن را بررسی و تحلیل می‌کند. مقاله ششم، نقش عنصر کنایه را در سوره یوسف بررسی می‌کند. در این سوره پیام غالب این است: خداوند ه‌رآنچه خواهد انجام دهد و میل و اراده او پیروز می‌است. و مقاله هفتم، سوره‌ی یوسف را به منزله‌ی داستانی منسجم در نظر گرفته و عناصر آن را از قبیل طرح، بی‌رنگی، شخصیت‌پردازی و غیره بررسی می‌کند. مقاله هشتم نیز برخی فنون و صنایع را در قرآن بررسی می‌کند. حسین عبدالرئوف – استاد عراقی‌الاصل دانشگاه لیدز انگلستان – در مقالات خود که در پاره‌ای از موارد بحثی یکسان را با زبانی متفاوت بیان می‌کنند؛ عمداً به بحث کاربردشناسی، سبک‌شناسی و گفتمان‌کاوی قرآن می‌پردازد. کاربردشناسی، زبان، بررسی معنای جملات در فضایی است که جمله‌های زبان در آن تولید می‌شوند. این فضا می‌تواند محیط برون‌زبانی باشد. یا متنی باشد که به صورت مجموعه‌ای از جمله‌های زبان پیش و پس از هر جمله آمده است. درک بسیاری از آیات و سوره‌های قرآنی به این دو محیط برون درون‌زبانی بستگی دارند. گفتمان نیز قواعد و قراردادهای حاکم بر کاربرد زبان در کلام مرتبط پیوسته معنی‌دار بالاتر از جمله است. به تعبیری دیگر، چگونه جملات به هم می‌پیوندند تا سخن معنی‌دار پیوسته‌ای را تشکیل دهند.»بخشی از مقدمه مترجم نیز به معرفی نویسندگان کتاب اختصاص یافته است. دکتر مستنصر میر متولد ۱۹۴۹ در پاکستان و دارای مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات انگلیسی از کالج دولتی دانشگاه پنجاب لاهور است. او همچنین با نوشتن رساله «انسجام در قرآن» مدرک دکتری خود را از دانشگاه میشیگان دریافت کرده است. حسین عبدالرئوف استاد عراقی‌الاصل دانشگاه لیدز انگلستان است. او تاکنون مقاله‌ها و کتاب‌هایی را درباره قرآن منتشر کرده که مهم‌ترین آن‌ها در کتاب «مطالعه قرآن به منزله اثری ادبی» آمده است. کتاب «سبک‌شناسی قرآنی» که از راه ابوالفضل حرّی به فارسی ترجمه کرده، از جمله کتاب‌های حسین عبدالرئوف است.



مطالعه قرآن به‌منزله اثری ادبی

مستنصر میر، حسین عبدالرئوف

ترجمه ابوالفضل حرّی

نشر نیلوفر